

۸ مارس، روز جهانی زن بر علیه جنگ!

بهرام رحمانی

۹۳ سال پیش زنان بین‌الملل سوسیالیست، هشت مارس را روز جهانی زن اعلام کردند. اعلام این روز به عنوان روز جهانی زن، تصادفی نبود، بلکه ۸ مارس دستاورد مبارزات خستگی‌ناپذیری است که زنان و مردان آزادی‌خواه در همبستگی جهانی علیه نابرابری، تبعیض و ستم به ثمر رسانده‌اند. از این رو باید این روز را گرامی داشت و هم‌چنان به مبارزه مداوم و پیگیر در جهت رفع نابرابری و ستم جنسی مبارزه کرد.

بی‌شک در سال ۲۰۰۳، سخن گفتن از حقوق یک‌سان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زنان و به ویژه تبریک این روز عزیز، به انسان‌هایی که به معنای واقعی خواهان برابری زن و مرد هستند چندان آسان نیست. چرا که سیستم سرمایه‌داری جهانی با سیاست‌های غیرانسانی‌اش، علاوه بر تحمیل فقر و فلاکت و بی‌کاری فزاینده، اکنون در حال سازمان‌دهی جنگی وحشیانه علیه مردم عراق و گسترش آن در کل منطقه خاورمیانه است. اگر این جنگ احتمالی روی بدهد بیش‌ترین قربانیان آن زنان و کودکان خواهند بود.

جنبش کارگری و کمونیستی در راه رهایی زن، دستاوردها و تجارب تاریخی ارزش‌مندی دارد. همین‌طور که در سال ۱۹۱۰ کلارازتکین، زن سوسیالیست و مبارز آلمانی، در دومین کنفرانس بین‌المللی زنان پیشنهاد کرد روز هشتم مارس، روز جهانی زن به رسمیت شناخته شود، چرا که در سال ۱۹۰۷، در چنین روزی زنان آمریکا، برای برقراری عدالت اجتماعی و برابری با مردان دست به راهپیمایی گسترده‌ای زده بودند که خبر آن انعکاس جهانی یافت. یک سال پس از آن انترناسیونال دوم، این روز را رسماً به عنوان روز زن پذیرفت و در اولین ۸ مارس، نشریات مختلف زنان منتشر شد و تظاهرات‌های بزرگی نیز در کشورهای دانمارک، آلمان، سوئیس و اتریش برگزار گردید.

روز هشتم مارس امسال را به تبعیت از زنان در سال‌های ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶، بر علیه جنگ تبدیل کنیم. در این سال‌ها با شعله‌ور شدن آتش جنگ جهانی اول، روز هشتم مارس «روز تظاهرات زنان بر ضد جنگ» نام‌گذاری شد و در ۸ مارس ۱۹۱۷ زنان روسی، علیه جنگ و تزاریسم به خیابان‌ها ریختند و این آغازی برای پیروزی انقلاب شکوهمند کارگری و سوسیالیستی اکتبر بود، به طوری که روزنامه «پراودا» نوشت: «اولین روز انقلاب روز زن است.» دستاوری که انقلاب اکتبر برای زنان داشت، سال‌ها بعد در کشورهای اروپایی و اسکاندیناوی بر دولت‌ها تحمیل شد، از جمله حق رای برای زنان. بدین ترتیب زنان و همه انسان‌های برابری‌طلب، هر سال در سراسر جهان، مراسم‌های مختلفی را در روز جهانی زن، سازمان‌دهی می‌کنند تا صدای عدالت‌جویانه و برابری‌طلبانه خود را به گوش جهانیان

برسانند.

مسلمانان و سازمان‌ها و دولت‌های بورژوازی که خفقان، سرکوب، نابرابری، تبعیض، فرودست بودن زن، جنگ، کشتار و آوارگی را سازمان می‌دهند و مردسالاری و خرافات ملی و مذهبی را بازتولید می‌کنند، همان نیروهای اجتماعی و مناسباتی هستند که ستم یک طبقه بر طبقه دیگر، یک نژاد برتر بر نژاد دیگر، و یک ملت بر ملت دیگر را فراهم ساخته‌اند و زنان را نیز به وضعیتی این چنین دردناک و غیرانسانی، از جمله در کشورهای نظیر ایران و عربستان محکوم کرده‌اند. یعنی در حقیقت این سیستم سرمایه‌داری است که ریشه اصلی زبونی و ستم‌دیدگی زنان را بازتولید می‌کند. بنابراین رهایی زن، از مبارزه طبقاتی در جهت سرنگونی سیستم سرمایه‌داری و در ایران، از سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی جامعه‌ای آزاد و برابر و انسانی جدا نیست. بنابراین هر چه قدر روابط و مناسبات و قدرت سرمایه‌داری، در اثر مبارزه کارگران، زنان، جوانان، بازنشستگان و مردم محروم و تحت ستم عقب رانده شود، به همان نسبت نیز مطالبات جنبش زنان تحقق پیدا می‌کند.

مسلمانان باید مبارزه همه ستم‌دیدگان - زن و مرد یک‌سان - برای رسیدن به آزادی زنان، همراه با آزادی همه توده‌های ستم‌دیده و رنج‌کشیده، باید به طور مداوم و پیگیر امر پراتیکی و تئوریکی کارگران پیشرو و رهبران طبقه کارگر و کمونیست‌ها قرار گیرد. فشاری که به ویژه در کشورهای نظیر ایران، بر زنان اعمال می‌شود واقعا دردناک و غیرقابل تحمل است. زنان، در این جوامع هم به عنوان مزدبگیر استثمار می‌شوند و هم به عنوان زن، تحت ستم مضاعف مردسالاری و پدرسالاری قرار می‌گیرند. مهم‌تر از همه، حکومت و قوانینش نیز مردانه است و همواره گرایش‌های عقب مانده و خرافی را بازتولید می‌کند. کارگران اعم از زن و مرد که ثروت جامعه را تولید می‌کنند، خود چیزی ندارند جز نیروی کار، که برای زنده ماندن آن را باید به کارفرما بفروشند. تازه اگر کاری وجود داشته باشد. بنا به آمارهای رسمی فقط ده درصد زنان ایران شاغل هستند و ۹۰ درصد هیچ‌گونه حقوقی ندارند. بنابراین قطعا هم زنان و هم مردان، باید در هر دو سوی مبارزه طبقاتی قرار گیرند! اگر چه مبارزه در برابر مردسالاری، از بخش‌های مهم مبارزه زنان، در مبارزه برای آزادی است، اما نباید فراموش کرد که سرچشمه واقعی ستم بر زنان، که همانا سرمایه‌داری است و این واقعیت را نمی‌توان با به هم پیوستن زنان از همه طبقات اجتماعی از بین برد. این امر نیازمند مبارزه انترناسیونالیستی کارگران مردان و زنان هم‌سرنوشت سایر بخش‌های ستم‌دیده جامعه، در راه سوسیالیسم است. چرا که هدف‌های آزادی واقعی زنان بدون انقلاب اجتماعی سوسیالیستی به انجام نمی‌رسد، اما این امر بدین معنی نیست که از هر فرصتی برای بهبود شرایط زنان استفاده نکرد. از همین امروز باید زنان و مردان کمونیست، دوش‌به‌دوش زنان کارگر و تحت ستم و آزادی خواه باید درگیر فعالیت‌های متنوع در

عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، برای رسیدن به اهداف و مطالبات ویژه زنان باشند و در صف مقدم این مبارزه نیز قرار گیرند.

زنان باید برای آزادی، در رهبری تشکلهای کارگری، سازمان‌ها و احزاب سیاسی و نهادهای دموکراتیک قرار گیرند تا در بطن مبارزه طبقاتی عارضه‌های مردسالاری را کاهش دهند. مردان، باید بیاموزند که در هیچ عرصه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برتر از زنان نیستند. این برتری را سیستم سرمایه‌داری با دگرگونی‌های بنیادین اجتماعی که نهاد خانواده، مالکیت خصوصی و دولت را به وجود آورد آغاز شده است و به ویژه گرایش‌ات عقب مانده و ارتجاعی ملی و مذهبی بورژوازی افکار مردسالاری و زن‌آزاری را بازتولید می‌کنند. چنین تفکری، تفکر کارگری و کمونیستی نیست، بلکه از روابط و مناسبات سرمایه‌داری نشات گرفته است.

این نگرش تاریخی به سادگی نیاز به یک انقلاب اجتماعی و جهش فرهنگ مدرن و سیاسی دارد تا روابط و مناسبات اجتماعی و اقتصادی به نفع بشریت و آزادی و برابری دگرگون شود. این برنامه و هدف مبارزه طبقاتی کارگران و کمونیست‌هاست و همان چیزی است که همواره برای آن مبارزه می‌کنند.

در این که زنان باید برای احقاق حقوق انسانی خود در همه شئون فردی و اجتماعی فعال‌تر باشند، به طور مستقل و با اعتماد به نفس بیش‌تری روی پای خودشان بایستند و به هیچ مقام، دولت، حزب و فردی اجازه ندهند از بالای سر آنان تصمیم بگیرند، شکی نیست اما امر رهایی زنان، فقط منحصر و محدود به زنان نیست و همه مردان برابری طلب و آزادی‌خواه وظیفه انسانی و اجتماعی و سیاسی دارند که در جنبش زنان فعال باشند. توهین به زن، توهین به حرمت انسان است. بنابراین انسانیت حکم می‌کند که با تمام نیرو و امکان بر علیه تبعیض و نابرابری و ستم به زنان به پا خاست. با این افق و چشم‌انداز است که می‌توان به سوی ساختن جهانی عاری از هر گونه ظلم و ستم و بهره‌کشی انسان از انسان گام‌های موثر و ماندگاری را برداشت. معیار کمونیست‌ها برای آزادی زنان، معیار و شرط آزادی جامعه است. در جامعه‌ای که زنان آزاد نباشند، سخن گفتن از آزادی در آن بیهوده است. جنبش زنان، همانند سایر جنبش‌های رهایی‌بخش، مبارزه خود را با طرح مطالبات ابتدایی شروع می‌کند. تا آن‌جا که به جامعه ایران مربوط می‌شود، باید برای تحمیل مطالبات فوری زیر اقدام کرد: فراهم کردن فرصت برابر با مردان در آموزش و کار؛ مزد برابر بر کار مساوی؛ تاثیرگذاری بر روی افکار عمومی و جلب آن به مسائل و مشکلات زنان؛ لغو کلیه قوانین ضد زن؛ لغو حجاب اجباری؛ مبارزه با آپارتاید جنسی و جدایی زن و مرد؛ تعیین دستمزد برای کار خانگی و بیمه بی‌کاری برای زنان خانه‌دار؛ پرداخت حقوق مکفی، توسط رژیم، برای زنانی که سرپرستی خانواده را به عهده دارند؛

کمک به شکل‌گیری تشکل‌های مستقل زنان در کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس و محلات؛ رشد و گسترش ادبیات زنان؛ تحقیق و پژوهش‌های جدی در رابطه با زن آزاری و نشان دادن راه‌های مقابله با آن؛ انتقال تجارب جنبش‌های زنان کشورهای دیگر به زنان ایران؛ مبارزه برای لغو کار کودکان؛ تلاش برای یک‌سان کردن حقوق ماهانه مدت زمان مرخصی دوران بارداری و زایمان، مرخصی دوران شیردهی و مراقبت از نوزاد، مراقبت‌های ویژه پزشکی برای مادر و نوزاد و تضمین شغلی و شرایط کار، با استانداردهای قوانین جهان‌شمول بین‌المللی؛ به رسمیت شناختن حق شهروندی فرزندان زنانی که با شهروندان افغانی ازدواج کرده‌اند و همچنین والدین آن‌ها و خلاصه کلام، زن باید به طور مستقل و آزادانه به جسم و فکر خود حاکم باشد. هر چند که کلیه قوانین رژیم جمهوری اسلامی، قوانین ضدانسانی و به خصوص ضدزن است، اما باید مزدبگیران تلاش کنند که این مطالبات را به جمهوری اسلامی، از جمله قانون کار و قوانین مربوط به خانواده تحمیل کنند. در کارگاه‌های خانوادگی، به طور کلی قوانین بردگی حاکم است و کارگران آن‌ها، به ویژه در صنعت قالی‌بافی دچار انواع حوادث ناگوار و عوارض بیماری هستند. قوانین باید هر چه سریع‌تر در جهت بهبود شرایط کارگران زن و جوانان تغییر یابد. هر چند که جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر همواره قانون کار ارتجاعی خود را به نفع کارفرماها و سرمایه‌داران تغییر داده و هنوز هم می‌دهد، این وجود نباید مرعوب این رژیم و قوانین غیرانسانی آن شد.

کمونیست‌ها، مدافعین پیگیر رفع تبعیض و پایان دادن به ستم جنسی هستند و در کنار زنان ایران، در نبرد برای رهایی و آزادی قرار دارند.

روز ۸ مارس، بر همه زنان و مردان برابری طلب جهان فرخنده باد!

۲ مارس ۲۰۰۳

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۰۱